

دروغگو و دشمنی با خدا از منظر قرآن و روایات

محبوبه ابوالفتحی^۱

چکیده

دروغ‌گویی یکی از بزرگ‌ترین معاصی است که در متون دینی، به ویژه در قرآن کریم و روایات اسلامی به آن پرداخته شده است. این عمل نه تنها به روابط انسانی آسیب می‌زند، بلکه ارتباط فرد با خداوند را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. دشمنی با خدا به معنای نافرمانی از دستورات الهی و عدم صداقت در گفتار و رفتار است. در این مقاله به بررسی مفهوم دروغ‌گویی و پیامدهای آن از دیدگاه قرآن و سنت خواهیم پرداخت و همچنین راهکارهایی برای پرهیز از این گناه بزرگ ارائه خواهیم کرد.

کلیدواژه‌ها: حدیث، دروغ‌گویی، دشمنی با خدا، قرآن کریم، کافر، مُکذِّبِینَ، منافق

^۱ ابوالفتحی، محبوبه، طلبه سطح دو مدرسه علمیه سجادیه (ع)، MahbobehAbolfathi.whc@gmail.com

۱. مقدمه و بیان مسئله

اصل اینکه انسان می‌تواند حرف بزند نعمت بزرگی است. می‌توان گفت قوام انسانیت انسان به این سخن گفتن است. اگر انسان نمی‌توانست سخن بگوید، دیگر انسان نبود؛ بلکه به حیواناتی نظیر میمون تبدیل می‌شد. آنچه از پیشرفت‌های علمی و مادی و رشد معنوی در این عالم داریم مرهون سخن گفتن، نوشتن و انتقال مفاهیم است.

حال این آدمیزادِ ظلوم و کفور و ناسپاس از این نعمت سوءاستفاده می‌کند. روشن‌ترین فایده سخن گفتن این است که این نعمت بزرگ، مقوم انسانیت است. شاید به همین دلیل است که در منطق قدیم به عنوان تعریف انسان می‌گفتند: «انسان حیوان ناطق»؛ به این دلیل است که سخن گفتن با فکر کردن و تعقل تلازم دارد. در واقع می‌توان گفت مراد واقعی از این عبارت این است که: «انسان حیوان عاقل»؛ چراکه نطق صرفاً به معنای ادا کردن کلمات نیست و طوطی را نمی‌توان به عنوان یک «حیوان ناطق» شناخت.

عظمت این نعمت در این است که وقتی فردی دانشی دارد، می‌تواند آن را از طریق کلام به دیگران منتقل کند. احساسات و خواسته‌های خود را بیان کند، انتظاراتش را مطرح سازد و به دیگران آگاهی بخشد یا می‌تواند از دیگران رفع جهل کند و واقعیتی را بازگو نماید. رسانه با گستره‌ای که امروز در دنیا دارد، از همین گفت و شنودها قدرت یافته است.

این نعمت برای این است که دانسته‌های شخص به فرد دیگری منتقل شود. اما وقتی کسی چیزی را که می‌گوید مطابق آن چیزی نباشد که می‌داند، نقض‌غرض می‌شود. یعنی گاهی استفاده از این نعمت، نه تنها سبب هدایت نمی‌شود بلکه گمراه می‌کند، دروغ می‌گوید و از مسیر درست منحرف می‌شود. به عبارت بهتر: «نعمت خدا را به نعمت تبدیل می‌کنند»^۱. یعنی با این نعمتی که سبب استفاده و هدایت مردم از علوم و اطلاعات دیگران است با دروغ‌گویی، اسباب گمراهی و انحراف فراهم می‌شود و این نعمتی که باید به انسان‌ها کمک کند ابزار خیانت می‌شود.

نشر اکاذیب و دروغ، شایعه‌پراکنی در فضای مجازی و رسانه‌های اجتماعی، دروغ‌های قشنگی که باور می‌کنیم... دروغ همیشه قشنگ بوده است. اصلاً فضای مجازی بستری شده است که برخی افراد در آن به دنبال صرفاً دیده شدن هستند. حال به هر قیمتی که شده! چیزهایی که می‌خواهیم بشنویم و ببینیم. کسی که همیشه می‌خواستیم باشیم. رویایی که می‌توانیم نه برای خودمان بلکه برای دیگران واقعی‌اش کنیم.

وقتی با این نعمت که خدا برای ما قرار داده است تا از آن بهره‌مند شویم، دروغ بگوییم و جامعه‌ای بی‌اعتماد را پی‌ریزی کنیم، این نعمت بزرگ خداوند که مقوم وجود انسان است، کالعدم می‌شود. درحقیقت ما با دروغ گفتن به دستگاه آفرینش خیانت می‌کنیم و مفهوم «خَلَقَ الْإِنْسَانَ * عَلَّمَهُ الْبَيَانَ»^۲؛ را به هیچ می‌گیریم!

^۱ سوره ابراهیم، آیه ۲۸.

^۲ سوره الرحمن، آیات ۳ و ۴.

۲. مبانی نظری

۲-۱- مفهوم دروغ‌گویی

دروغ‌گویی به معنای بیانِ نادرستِ واقعیت‌ها یا ارائه اطلاعات نادرست به دیگران است. این عمل می‌تواند به اشکال مختلفی از جمله دروغ‌های کوچک (که معمولاً به عنوان "دروغ‌های سفید" شناخته می‌شوند) تا دروغ‌های بزرگ و مضر باشد. دروغ‌گویی می‌تواند ناشی از ترس، خودخواهی، یا حتی تمایل به جلب توجه باشد. اما در هر صورت عواقب آن می‌تواند بسیار خطرناک باشد و نه تنها به فردی که دروغ می‌گوید آسیب می‌زند، بلکه می‌تواند تأثیرات منفی بر روی دیگران و جامعه نیز داشته باشد.^۱

۲-۲- انواع دروغ‌گویی

• دروغ‌های سفید: این نوع دروغ‌ها معمولاً به منظور حفظ احساسات دیگران یا جلوگیری از ناراحتی آن‌ها گفته می‌شود. برای مثال، وقتی کسی از شما می‌پرسد که آیا لباسش خوب به نظر می‌رسد و شما با وجود نارضایتی، پاسخ مثبت می‌دهید.

برخی مفسران اسلامی به این نکته اشاره کرده‌اند که در موارد خاص، مانند حفظ جان یا جلوگیری از آسیب به دیگران، دروغ می‌تواند توجیه‌پذیر باشد. به عنوان مثال در شرایطی که گفتن حقیقت ممکن است به آسیب جدی منجر شود، دروغ به عنوان یک ابزار حمایتی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

• دروغ‌های بزرگ: این نوع دروغ‌ها معمولاً با هدف فریب دادن دیگران و کسب منافع شخصی بیان می‌شوند. مانند کلاهبرداری یا ارائه اطلاعات نادرست در مورد یک محصول.

• دروغ‌های مکرر: افرادی که به طور مداوم دروغ می‌گویند، ممکن است به مرور زمان خود را در یک شبکه پیچیده از دروغ‌ها گرفتار کنند. این نوع دروغ‌گویی می‌تواند به مشکلات جدی در روابط اجتماعی و خانوادگی منجر شود.

۲-۳- عوامل مؤثر بر دروغ‌گویی

دروغ‌گویی می‌تواند ناشی از عوامل مختلفی باشد که برخی از آن‌ها به روانشناسی فردی و اجتماعی مربوط می‌شوند:^۲

^۱ فرهنگی، علی‌اکبر، آسیب‌شناسی اجتماعی.

^۲ استاد شهید آیت‌الله مطهری، مرتضی، اخلاق اسلامی.

- ترس از عواقب: یکی از اصلی‌ترین دلایل دروغ‌گویی، ترس از عواقب یک عمل یا وضعیت خاص است. افراد ممکن است از عواقب رفتاری نادرست خود بترسند و برای فرار از آن دست به دروغ بزنند.
- فشار اجتماعی: فشارهای اجتماعی ممکن است فرد را مجبور کند تا برای حفظ وجهه یا جلوگیری از تنش‌ها دست به دروغ بزند. این نوع فشارها ممکن است ناشی از انتظارات خانواده، دوستان یا حتی جامعه باشد.
- عدم توانایی در بیان حقیقت: برخی افراد ممکن است به دلیل عدم توانایی در بیان حقیقت یا عدم مهارت‌های ارتباطی مناسب دست به دروغ بزنند. این موضوع نیازمند آموزش مهارت‌های ارتباطی و افزایش اعتماد به نفس است.
- خودخواهی و منافع شخصی: برخی افراد ممکن است به دلیل خودخواهی و تمایل به کسب منافع شخصی، اقدام به دروغ‌گویی کنند. این نوع دروغ‌گویی معمولاً با هدف فریب دیگران و دستیابی به اهداف شخصی انجام می‌شود.
- نگرانی از قضاوت: افراد ممکن است از ترس قضاوت شدن یا طرد شدن توسط دیگران، دست به دروغ بزنند. این نگرانی می‌تواند ناشی از عدم اعتماد به نفس یا تجربه‌های منفی گذشته باشد.

۳. آیات قرآن و روایات

با وجود اینکه آیه و یا روایتی که به صراحت بر مضمون (دروغگو دشمن خدا است)، دلالت داشته باشد نداریم اما آیاتی در قرآن وجود دارد که فحوا و مقصود آنها بر مطلب فوق دلالت دارد. مانند آیه «إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْكَاذِبُونَ»؛ تنها کسانی به مردان حق دروغ می‌بندند که ایمان به آیات الهی ندارند و دروغ‌گویان واقعی آنها هستند. در این آیه خدای متعال دروغ‌گویان را در سر حد کافران و منکران آیات الهی قرار می‌دهد، گرچه مورد آیه دروغ و افترا بر خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله است، ولی به هر حال زشتی دروغ اجمالاً در این آیه مجسم شده است.

۳-۱- آیات قرآن کریم

قرآن کریم در آیات متعددی به مسئله دروغ‌گویی اشاره کرده است. یکی از آیات مهم در این زمینه، آیه ۱۱۹، سوره آل عمران، است که می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الشَّيَاطِينُ»؛ این آیه نشان می‌دهد که دروغ‌گویان و کافران در زمره شیطان‌ها قرار دارند و این خود نشان‌دهنده شدت ناپسند بودن این عمل است.

^۱ سوره نحل، آیه ۱۰۵.

^۲ سوره آل عمران، آیه ۱۱۹.

همچنین در سوره بقره، آیه ۱۰، خداوند درباره منافقین می‌فرماید: «فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا»؛ این آیه به ما می‌آموزد که دروغ‌گویی و نفاق باعث بیماری روحی و اخلاقی فرد می‌شود و او را از رحمت الهی دور می‌کند.

در سوره توبه، آیه ۷۴، خداوند درباره منافقین می‌فرماید: «وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ إِنَّهُمْ لَمِنْكُمْ مَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَكِنَّهُمْ قَوْمٌ يَفْرُقُونَ»^۲، این آیه نشان‌دهنده این است که منافقین با قسم‌های دروغین خود سعی در فریب مؤمنان دارند. خداوند در اینجا به وضوح اعلام می‌کند که چنین افرادی نه تنها مؤمن نیستند، بلکه دشمنان واقعی دین و ایمان محسوب می‌شوند.

همچنین در سوره آل عمران، آیه ۶۱، خداوند به پیامبر اسلام می‌فرماید: «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ»^۳ و هرکس دروغ بگوید، او از ظالمین است. این آیه تأکید می‌کند که دروغ‌گویی نه تنها عملی ناپسند است بلکه فرد دروغگو را در زمره ظالمین قرار می‌دهد.

۳-۲- احادیث و روایات

در روایات اسلامی نیز به شدت بر زشتی دروغ‌گویی تأکید شده است. پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: «دروغ‌گویی کلید هر بدی است»^۴. این حدیث نشان‌دهنده این است که دروغ‌گویی نه تنها خود یک گناه بزرگ است، بلکه می‌تواند زمینه‌ساز بسیاری از گناهان دیگر نیز باشد. و نیز فرموده‌اند «دروغ‌گویی از نشانه‌های نفاق است»^۵.

امام علی (ع) نیز در نهج البلاغه می‌فرمایند: «دروغ‌گویی موجب می‌شود که انسان از رحمت خداوند دور شود»^۶ و «دروغگو از ایمان دور است»^۷. این جمله به وضوح نشان می‌دهد که دروغ‌گویی باعث دوری انسان از خداوند و ایمان به او می‌شود.

^۱ سوره بقره، آیه ۱۰.

^۲ سوره توبه، آیه ۷۴.

^۳ سوره آل عمران، آیه ۶۱.

^۴ بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۲۷.

^۵ بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۱۰۳.

^۶ نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷.

^۷ نهج البلاغه، خطبه ۱۰۰.

۲. مقایسه با نظریات غربی: دیدگاه‌های مفسران غربی درباره دروغ‌گویی و صداقت، با آموزه‌های دینی تطابق زیادی دارند. هر دو رویکرد بر اهمیت صداقت تأکید می‌کنند و عواقب منفی دروغ‌گویی را مورد بررسی قرار می‌دهند. به عنوان مثال، نظریه‌های روانشناسی درباره تأثیرات منفی دروغ بر روابط انسانی، با آموزه‌های دینی مبنی بر اینکه دروغ‌گویی موجب تخریب اعتماد و روابط می‌شود، همخوانی دارد.

۵-۵- نتیجه‌گیری

می‌توان گفت که بررسی دیدگاه‌های مفسران و روانشناسان غربی درباره دروغ‌گویی و ارتباط آن با متون دینی نشان‌دهنده این است که صداقت نه تنها یک ارزش اخلاقی مهم است، بلکه دارای ابعاد روانشناختی نیز می‌باشد. هر دو رویکرد بر اهمیت راستگویی تأکید دارند و عواقب منفی دروغ‌گویی را برای فرد و جامعه مورد توجه قرار می‌دهند.

۶. پیامدهای دروغ‌گویی

۵-۱- عواقب اخروی: در قرآن کریم آمده است که در روز قیامت، دروغ‌گویان مورد بازخواست قرار خواهند گرفت و عذاب‌های سختی انتظارشان را می‌کشد.

خداوند در سوره مومنون، آیه ۳۱، فرموده است: «إِنَّ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ»؛ این آیه نشان‌دهنده این است که دروغ‌گویان نه تنها خود را از رحمت الهی محروم می‌کنند، بلکه عذاب‌های سختی نیز برای آنان آماده شده است.

۵-۲- عواقب دنیوی: دروغ‌گویی نه تنها عواقب اخروی دارد، بلکه عواقب دنیوی نیز برای فرد به همراه خواهد داشت. این عواقب شامل موارد زیر است.

- بی‌اعتمادی: وقتی فردی دروغ می‌گوید، اعتماد دیگران نسبت به او کاهش می‌یابد. این موضوع می‌تواند منجر به مشکلات جدی در روابط اجتماعی و خانوادگی شود.
- تنش‌های اجتماعی: دروغ‌گویی می‌تواند باعث ایجاد تنش‌های اجتماعی و اختلافات خانوادگی شود. افراد ممکن است به خاطر دروغ‌های یکدیگر دچار سوءتفاهم شوند و روابطشان آسیب ببینند.
- از هم پاشیدگی خانواده: یکی از مهم‌ترین پیامدهای دروغ‌گویی، آسیب به بنیان خانواده است. هنگامی که یکی از اعضای خانواده به دیگری دروغ بگوید، این عمل می‌تواند منجر به بی‌اعتمادی و جدایی شود.

^۱ سوره المؤمنون، آیه ۳۱.

۷. نتیجه‌گیری

خداوند به ما بیان و سخن گفتن را یاد داده است تا اینکه دانسته‌ها منتقل شود و مردم به خبرهایی که می‌شنوند و به آموزه‌های دیگران اعتماد کنند. اما وقتی بنابر دروغ گفتن باشد، اعتماد سلب می‌شود و هدف از این نعمت از بین می‌رود و به بیان دیگر، نقضِ غرض می‌شود.

فطرت انسان اقتضا می‌کند وقتی کسی با او حرف می‌زند، آن حرف راست باشد تا از این نعمت استفاده کند. اما چون اینگونه نباشد، خلافِ فطرت است، یعنی خلافِ آن انتظاری است که به طور طبیعی انسان‌ها از همدیگر در زندگی اجتماعی دارند. اگر پایه این ارزش از بین برود، اساس همه تمدن‌ها، ارزش‌ها، اخلاق، معنویات، علوم، معارف و توحید از بین می‌رود. تعلیم و تعلم و تبادل اخبار و اطلاعات درست انجام نمی‌گیرد. ارتباطات انسان‌ها از بین می‌رود. در واقع آدمیزاد به خاطر یک منفعت خیالی و بسیار زودگذر، این نعمت را به قیمت تبدیل می‌کند و اساس این بنای ارزشمند را فرو می‌ریزد. آنگاه ارزش سخن گفتن از دست می‌رود، مردم دیگر به حرف‌ها اعتماد نمی‌کنند و آن فایده‌ای که باید بر «سخن گفتن» مترتب شود، دیگر مترتب نمی‌شود.

این است که بزرگترین ارزش را سخن گفتن دانسته‌اند. در روایات آمده است: **عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْعَسْكَرِيِّ ع قَالَ: «جُعِلَتِ الْخَبَائِثُ فِي بَيْتٍ وَ جُعِلَ مِفْتَاحُهُ الْكُذْبُ»**، همه گناهان را در خانه و انباری انباشته کرده‌اند و قفلی به درب آن زده‌اند، کلید قفل آن درب (همه گناهان)، همانا دروغ گفتن است!

دروغ‌گو دشمن خداست!! برای اینکه اهمیت خطر بزرگ «دروغ» مشخص شود و انسان به این خیانت به دستگاه الهی مبتلا نشود، باید تلاش شود در محیط خانواده و در دوران طفولیت پدران و مادران آنقدر این گناه را زشت وانمود کنند که کودک این را باور کند که دروغ‌گویی، بزرگترین گناه است. شعار «دروغ‌گو دشمن خداست» شعار بسیار بزرگی است. اما به شرط اینکه ما خدا را بشناسیم و بدانیم دشمنی با خداوند به چه معنا است و این شعار زیبا که در فرهنگ ما است فقط لقلقه زبان نباشد. برآستی چه گناهی بزرگتر از دشمنی با خداوند است؟! مؤمن کسی که به آموزه‌های پیامبران ایمان دارد، طبعاً در این باب از همه بیشتر اهتمام می‌ورزد.

یک نکته فقهی!

حاصل بحث اینکه یکی از اصیل‌ترین ارزش‌هایی که تمام انبیاء به آن سفارش کرده‌اند، راست گفتن است. حتی فوده‌اند که «راست گفتن» بیش از نماز و روزه بر ایمان انسان دلالت دارد. بنابراین، باید این مسئله را جدی بگیریم و تلاش کنیم از محیط کوچک خانواده خود شروع کنیم و همسر، کودکانمان و حتی دوستانمان را عادت دهیم تا هیچوقت دروغ نگویند. البته دروغ نگفتن معنایش این نیست که هر چه راست است را باید گفت. راست گفتن، در مواردی مفاسدی را به همراه دارد و هر راستی را نباید گفت. برای مثال، عیب کسی را پشت سرش نباید گفت؛ اگرچه تمام آن عیوب راست باشد. به یک مسئله فقهی توجه کنید: در مواردی که

^۱ ر.ک: بحار الأنوار، ج ۶۹، ص ۲۶۳، باب ۱۱۴، الکذب و روايته و سماعه.

گفته‌اند دروغ گفتن جایز یا واجب است، بعضی از فقها احتیاط واجب دارند که باید «توریه» یا صرفه‌جویی در بیان حقیقت کنند؛ یعنی یک لفظی را بگویند که طرف چیز دیگری بفهمد؛ اما قصد خودش به معنای صحیحی باشد. برای مثال، وقتی کسی می‌گوید: طرف اینجا نیست، باید منظورش این باشد که در این نقطه نیست و به مقابل خویش اشاره کند تا حتی پیش خودش هم دروغ‌گو نباشد. توجه داشته باشیم: دروغ‌گویی آنقدر زشت است که آنجایی هم که لازم است دروغ بگوییم، باید به گونه‌ای باشد که انسان در پیشگاه خود دروغ‌گو نشود. چراکه در این صورت کمکم به شوخی دروغ می‌گوید و سپس به خود اجازه می‌دهد تا برای هر مسئله‌ای به این گناه متوسل شود تا جایی که این گناه بزرگ برایش سبک و عادی می‌شود.

در نهایت، می‌توان گفت که دروغ‌گویی نه تنها عملی زشت و ناپسند است، بلکه دشمنی با خداوند نیز محسوب می‌شود. بر اساس آیات و روایات، صداقت و راستگویی یکی از ویژگی‌های مؤمنان واقعی است که باید همواره در زندگی خود رعایت کنند. با پرهیز از دروغ و نفاق، می‌توانیم ارتباط خود را با خداوند تقویت کرده و به سعادت دنیوی و اخروی دست یابیم.

علاوه بر این، باید توجه داشته باشیم که صداقت نه تنها باعث تقویت ایمان ما خواهد شد، بلکه موجب ایجاد روابط سالم‌تر و پایدارتر با دیگران نیز خواهد شد. از این رو، تقویت فرهنگ صداقت و راستگویی نه تنها موجب ارتقاء روابط انسانی می‌شود، بلکه به سعادت فردی و اجتماعی نیز کمک خواهد کرد. بنابراین، باید تلاش کنیم تا با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی و نظرات روانشناسی، جامعه‌ای بر پایه صداقت و راستگویی بسازیم.

منابع و مأخذ:

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران، دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۸ق/۱۳۷۶ه ش.
۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، آل علی(ع)، ۱۳۷۹. چاپ اول.
۳. صحیفه سجادیه، مترجم: عبدالمحمد آیتی، ناشر: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۹ه ش.
۴. آمدی، عبد الواحد تمیمی، غررالحکم و دررالکلم، ایران: بی تا، چاپ ایران، ۱۳۷۵ ه ق.
۵. حکیمی، محمد؛ حکیمی، محمدرضا؛ حکیمی، علی؛ الحیاه، ترجمه: احمد آرام، بی جا، نشر دلیل ما، چاپ دوازدهم، بی تا.
۶. حلّی، ورام بن ابی فراس، تنبیه الخواطر، قم: مکتبه الفقیه، چاپ اول، ۱۴۱۰ ه ق.
۷. شریعتی، محمد امین؛ پیمانی، عبدالرسول؛ سخنان و خطبه های رسول اکرم(ص)، نهج الفصاحه، قم: پرهیزکار، چاپ اول، بهار ۱۳۸۵ ه ش.
۸. طباطبایی، محمد حسین، (۱۴۰۳ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم: سید محمدباقر، همدانی، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ چهارم، جلد های دوم، ۱۵ و ۱۶.
۹. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، چاپ اول، بهار ۱۳۸۰ ه ش.
۱۰. قریشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم، ۱۳۷۱ ه ش.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه و شرح؛ سید جواد مصطفوی، تهران: نشر فرهنگ اهل بیت، بی تا.
۱۲. لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، محقق: حسن بیرجندی، قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحديث، چاپ اول، ۱۳۷۶ ه ش.
۱۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تهران: المکتب الاسلامیه، ۱۴ق.
۱۴. موسوی خمینی، سید روح الله، شرح حدیث جنود عقل و جهل، قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ اول، ۱۳۷۷ ه ش.
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر، برگزیده تفسیر نمونه، محقق: احمد علی بابایی زیر نظر مکارم شیرازی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم، ۱۳۸۷ ه ش.
۱۶. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ۱۰۳۳ - ۱۱۰۴ق. تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه تالیف: محمد بن الحسن الحر العاملی؛ تحقیق: محمدرضا الحسینی الجلالی، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴ق.
۱۷. مطهری، مرتضی، اخلاق اسلامی، ناشر: صدرا، ایران - تهران، ۱۳۸۲ه ش - ۱۴۲۵ه ق، چاپ ۲۵.
۱۸. فرهنگی، علی اکبر، آسیب شناسی اجتماعی، ناشر: رسا، ۱۳۹۸.
۱۹. نراقی، علامه ملا مهدی، جامع السعادت، ترجمه: کریم فیضی، انتشارات: قائم آل محمد.

٢٠. طبرسي، علي بن حسن بن فضل، **مِشْكَاةُ الْأَنْوَارِ فِي غُرَرِ الْأَخْبَارِ**، كتابخانه حيدريه و ناشران، ١٣٨٥ هـ ق.

21. Beck, A. T. (1976). **Cognitive Therapy and the Emotional Disorders**. New York: Penguin Books.
22. Freud, S. (1923). **The Ego and the Id**. Standard Edition, Volume 19.
23. Glaser, W. (1998). **Choice Theory: A New Psychology of Personal Freedom**. New York: HarperCollins.
24. Eisenberg, N., Lennon, R. (1983). Sex Differences in Empathy and Related Capacities. **Psychological Bulletin**, 94(1), 100-131.
25. Serota, K., Levine, T. R., Banas, J. (2010). The Prevalence of Lying in America: Three Studies of Self-Reported Lies. **Human Communication Research**, 36(1), 2-25.
26. Hofstede, G. (1980). **Culture's Consequences: International Differences in Work-Related Values**. Beverly Hills, CA: Sage Publications.